



بینش و فهم اقتصادی از منظر قرآن

* حجه الاسلام دکتر داود رجبی نیا

چکیده :

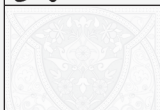
دستاورد نگاهی فشرده به قرآن کریم، تدوین ظرایف و لطایف بسیار ارزنده ای را در عرصه نظام اقتصادی اسلام باعث شد. نگارنده در این مقاله با رویکرد تحلیلی تربیتی و مطالعه کتابخانه ای به اجمال گزاره هایی را ذیل عنوان بینش و فهم اقتصادی تقدیم خوانندگان می نماید. محورهای این مقاله که در پرتو ملاحظه همه مجلدات تفسیر وزین نور تهیه و تدوین یافته است عبارتند از:

تبیین جایگاه علم اقتصاد و بینش و فهم اقتصادی، بینش اقتصادی مقدمه الهیات، بینش در اقتصاد، پیروی از اعلم به جای اکثر و فهم اقتصادی؛ محورهای راهبردی حوزه بصیرت را شامل می شود. هم چنین بحث های عدالت اقتصادی، وفا به همه قراردادهای، بصیرت و تعدیل ثروت، آزمایش به دو زینت برتر دنیا، از بخش های قابل توجه این تلاش علمی در قسمت ملاحظات فردی به شمار می آید. و محورهایی از قبیل بصیرت در برابر فتنه اقتصادی، فصل الخطاب قرار دادن رهبری، تقوای مصرف، حکمت کم و زیاد بودن روزی، حفظ اسرار اقتصادی، حرمت سرپرستی کفار و دو رویان، بصیرت تجاری، محکم کاری در سفرهای تجاری و خارجی، تدبیر در برابر حریص ترین مردم دنیا و بصیرت در برابر تحریم های اقتصادی، قابل توجه در ارتباطات اقتصادی و اجتماعی را برای حوزه داخلی و خارجی تبیین می کند.

کلید واژه :

اقتصاد، بینش اقتصادی، قرآن کریم، تفسیر نور و بصیرت اقتصادی.

* محقق و نویسنده مرکز پژوهشی مدیریت حوزه علمیه خاوران



❁ مقدمه :

مکتب قرآن، خود را عهده دار بینش و فهم، بینایی، هدایت و راهنمایی انسان ها می داند و تلاش می کند تا آنان را در کسب کمالات و فضائل اخلاقی و معنوی رهنمون و از رذایل و ناهنجاری های اخلاقی در فرایند زندگی فردی و اجتماعی دور کند، در این مکتب «خداوند بصیر است» (احزاب: ۹) و قرآن را نیز به عنوان کتاب بصیرت معرفی می کند آنجا که فرمود: «هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ...» این [کتاب] بصیرت ها برای مردم دارد» (جاثیه: ۲۰). به عبارتی بصیرت های گوناگون و مورد نیاز زندگی فردی و اجتماعی بشر از قبیل بصیرت فرهنگی، بصیرت اقتصادی و غیره در این کتاب آسمانی نهفته است.

بینش و فهم اقتصادی به معنای آگاهی، دانش، قدرت تمییز و تشخیص هدایتگر، می تواند حوزه های مختلف اقتصاد را تدبیر کند و تلاش های اقتصادی را به کمال مطلوب رسانده یا نزدیک کند چون بصیرت به حس بینایی و «قدرت ادراک دل» گفته می شود. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۹، ص ۸۴). و هم چنین به معنای بینش، تشخیص، تمییز و فهم نیز آمده است (آذرتاش، ۱۳۸۸، ص ۳۹). بر این اساس این گونه از قدرت تشخیص و تمییز، فراتر از حس را نیز شامل می شود.

اساساً ارزش و عظمت انسان ها به بصیرت و معرفت آنها منتهی می شود. هر انسانی که از بصیرت بیشتر و کامل تری برخوردار باشد، به همان میزان و اندازه از ارزش، عظمت و شخصیت والای انسانی بیشتری بهره مند است، و هر کس از بصیرت بهره ای ندارد در واقع فاقد هرگونه ارزش های معنوی و کمال آدمی است. قرآن کریم به عنوان کتابی که منبع و خاستگاه بصائر گوناگون، از جمله بصیرت اقتصادی است، جا دارد همه مردم جهت بصیرت یابی به این کتاب مراجعه کنند و هم نظریه پردازان و مدیران اقتصادی از آن برای برنامه ریزی در پیشرفت و عدالت اقتصادی بهره گیرند. به یقین بصیرت اقتصادی برگرفته از کلام خدا قابل مقایسه با نظریات نظریه-پردازان غربی یا شرقی نیست. در نتیجه بهترین نقشه اقتصادی اسلامی پیشرفت در همین کتاب تمدن ساز است.

در همین راستا، نگارنده با نگاهی فشرده به این کتاب بی نظیر و با تمرکز

بینش و فهم اقتصادی از
منظر قرآن

بر تفسیر وزین نور، به ظرایف و لطایف بسیار ارزنده و جالبی در عرصه نظام اقتصادی اسلام رسیده است که در اینجا به برخی از آنها در ذیل عنوان بینش و فهم اقتصادی اشاره می کند:

◆ جایگاه علم اقتصاد و بصیرت اقتصادی

اساساً علم ثروت آفرین است به خصوص علم اقتصاد که اگر با تدبیر و تجربه همراه باشد. اما گاهی آن چنان انسان را به خود مشغول می کند و او را خودمحمور می نماید که نقش دیگران را نادیده می گیرد. در فرهنگ اسلامی، به علم و عقل معاش نازیدن، نوعی اخلاق قارونی به شمار می آید. فرد بصیر، ثروت و قدرت را احسان الهی می داند نه نتیجه و محصول علم اقتصاد یا تلاش خود. در نگاه اجمالی به تاریخ زندگانی قارون، این قسمت پُر رنگ است که مردم به قارون می گفتند: این خداوند است که به تو ثروت داده است، قارون می گفت: خودم بر اساس علم، آن را پیدا کردم. جالب این که همین علم الاقتصاد قارون او را مایه عبرت دیگران قرار داد. از این رو قدم اول در بصیرت اقتصادی، توکل به خدا سپس با کمک و یاری او به علم الاقتصاد و دانش اندیشمندان اقتصادی تکیه می شود. یعنی جایگاه علم الاقتصاد از جمله دانش بشری بوده که پس از دانش الهی قرار می گیرد. در این صورت نیز به میزانی که این دانش بتواند با آموزه های الهی پیوند یابد، عدالت اقتصادی را به ارمغان می آورد. خداوند متعال ثروت، قدرت، رفاه و پیشرفتی را که ارمغان دانش بشری دانسته شود در قالب داستان قارون نقد می کند آنجا که می فرماید: « قَالَ إِمَّا أُوتِيَهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي... قارون در جواب گفت: همانا این ثروت فراوان به واسطه دانشی که نزد من است، به من داده شده،...» (قصص: ۷۸).

◆ بصیرت اقتصادی، مقدمه الهیات

در بینش اسلامی، مادیات مقدمه الهیات است. فعالیت اقتصادی وقتی الهی می شود که قدم هایی از زندگی انسانی را به ساحت الهی نزدیک کند. خداوند رزق و روزی همه را می دهد و دست کم انتظار این است که نافرمانی او انجام نشود. البته از هر کس توقع خاص می رود. توقع از مردم عادی این که پس از

تأمین معاش و تغذیه به دنبال گناه و وسوسه های شیطان و فساد نروند و تنها از کلمه «نه» در برابر شیطان استفاده کنند. خداوند این درخواست حداقلی را این چنین مطرح می کند.

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ... » (بقره: ۱۶۸). ای مردم! از آنچه در زمین، حلال و پاکیزه است بخورید و از گام های (وسوسه انگیز) شیطان پیروی نکنید. ولی از اهل ایمان و مؤمنان انتظار می رود که پس از مصرف به دنبال کار پسندیده و عمل صالح و شکرگذاری باشند. آنجا که می فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ... » (بقره: ۱۷۲). ای کسانی که ایمان آورده اید! از نعمت های پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم بخورید و شکر خدا را به جای آورید...

◆ بصیرت در اقتصاد

باورها و سلیقه ها گوناگون است؛ یکی همه کارها را به خدا نسبت می دهد، گویا انسان هیچ نقشی در سرنوشت خویش ندارد و دیگری خود را همه کاره دانسته و دست خدا را بسته می داند! یکی رهبران آسمانی را هم چون مردمان عادی و گاهی ساحر و مجنون معرفی می کند و دیگری آن بزرگواران را با غلو در حدّ خدا می پندارد!

یکی زیارت امامان معصوم علیهم السلام و شهدا را بدعت می داند و دیگری حتی به درخت و دیوار متوسّل شده و ریسمان می بندد. یکی ممکن است در عقاید و باورها از راه خارج شود و دیگری در عمل و اخلاق! یکی اقتصاد را زیربنا می داند و دیگری اساساً دنیا و مسایل آن را نادیده می انگارد! در حالی که اقتصاد یعنی میانه روی کردن، تعادل دخل و خرج را نگاه داشتن، میانه روی در هر کار (عمید، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۰۶) است.

به عبارتی اقتصاد یعنی میانه روی، اعتدال و احتراز از هر نوع افراط و تفریط، چه در عقیده و چه در عمل؛ ما در همه زمینه ها به ویژه در جریان پیشرفت ایرانی اسلامی و پیشرفت اقتصادی، بیش از هر زمان دیگری به اعتدال و میانه روی نیاز داریم. حضرت امیر علیه السلام نیز یادآور می شود که باید میانه رو بود آنجا

پیش و فهم اقتصادی از
مؤلف قرآن

که فرمود: «اِقْتَصِدْ يَا بُنَيَّ فِي مَعِيشَتِكَ؛ پسر من، در کار معاش خود میانه رو باش؛ (شیخ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۸) خداوند به ما در این زمینه و همه زمینه ها، بصیرت می دهد و می فرماید: «اهدنا الصراط المستقیم»؛ (حمد: ۶) راه مستقیم یعنی راه میانه و اعتدال و احتراز از هر نوع افراط و تفریط، مکتب اسلام به این اکتفا نکرده و برای اسوه و الگو، حضرات معصومان علیهم السلام را به عنوان نمونه های اعتدال و میانه رو معرفی می کند. معصومان علیهم السلام تصریح کرده و می فرمودند: «راه مستقیم، ما هستیم»؛ (تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۰).

معصومان علیهم السلام در دستورهای خود درباره تمام مسائل زندگی از قبیل کار، تفریح، تحصیل، تغذیه، انفاق، انتقاد، قهر، صلح، جهاد، کسب حلال و غیره نظر داده و ما را به اعتدال و میانه روی سفارش کرده اند.

از سوی دیگر چون بصیرت به معنای بینش، تشخیص، تمییز، فهم است (آذرتاش، ۱۳۸۸، ص ۳۹). جا دارد برای بهره گیری از توصیه های معصومان علیهم السلام برای دستیابی به بصیرت لازم به ویژه در حوزه های نامبرده به کتاب های مربوط هم چون اصول کافی (باب الاقتصاد فی العبادات) مراجعه کنیم.

اگر فرد مسلمانان، صاحب بصیرت و اطلاع نشود آن هم در امور مادی و اقتصادی به یقین به سوی افراط و تفریط (به عبارتی به سوی ضرر و زیان) سوق پیدا می کند. در حالی که اسلام مالکیت را در حوزه اقتصاد می پذیرد و می فرماید: «الناس مسلطون علی اموالهم»؛ (بحار، ج ۲، ص ۲۷۲). ولی اجازه ضرر زدن به خود و دیگری را در سایه افراط و تفریط نمی دهد: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»؛ (کافی، ج ۵، ص ۲۸). بر همین اساس خداوند صراط مستقیم را نشان می دهد و علوم انسانی از جمله علم اقتصاد را باید در آن راستا تحلیل کرد تا بصیرت آفرین باشد. امام خمینی در این زمینه می فرماید: «میزان در علم، حصول مفهومات کلیه و اصطلاحات علمیه نیست، بلکه میزان آن رفع حجز از چشم بصیرت نفس است و فتح باب معرفه الله است، و علم حقیقی آن است که چراغ هدایت ملکوت و صراط مستقیم تقرب حق و دار کرامت او باشد (امام خمینی (ره)، بی تا؛ ص ۳۷۲).

◇ پیروی از اعلم به جای اکثر

در بینش توحیدی، بشر علم دارد و می تواند عالم و عالم را به دست آورد ولی تنها خدا اعلم است! از سوی دیگر بقیه جزء اکثر به شمار می آیند اگر چه در اندیشه مردم اعلم باشند. بصیرتی که آموزه های قرآنی به فرد مسلمان در تمام عرصه های زندگی به ویژه اقتصاد هدیه می دهد این است که از اعلم پیروی کند نه از اکثریت، آنجا که حق تعالی فرمود: « **وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ... يَضِلُّوكَ... وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ...** »؛ و اگر از بیشتر افراد روی زمین اطاعت کنی، تو را از خداوند منحرف و گمراه می کنند» (انعام: ۱۱۶ و ۱۱۷). بر این اساس اقتصاددان مسلمان از نظریه های اقتصادی و نظریه پردازان این عرصه استفاده می کند نه پیروی!

◇ بینش اقتصادی

مال، ثروت، و مدیریت اقتصادی در فرهنگ اسلامی، خیر است ولی «خیر کثیر» به شمار نمی آید در این فرهنگ، از حکمت به «خیر کثیر» یاد می شود. حکمت به معنای خرد، فراست، هوش و دانایی است (آذرتاش، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵). از سوی دیگر بصیرت به معنای بینش، تشخیص و فهم است (همان، ص ۳۹) به عبارتی حکمت مبنای بصیرت بوده و کسی که اهل خرد و دانایی باشد اهل بینش و صاحب فهم و تشخیص نیز هست. بر این اساس اهل حکمت، اهل بصیرت نیز خواهند بود. یعنی بصیرت نیز هم چون حکمت «خیر کثیر» است و بینش اقتصادی مبتنی بر حکمت، بصیرت اقتصادی است که می تواند منشاء خیرات فراوان دیگر شود. زیرا بصیرت متکی به حکمت، «خیر کثیر» و هدیه ای کلیدی و مادر همه خیرات می باشد. بر این اساس اگر همه امکانات مادی فدای دست یابی به حکمت و بینش صحیح اقتصادی برای فرد و جامعه شود، هزینه نیست بلکه پس انداز خواهد بود. چنان که حق تعالی به این اصل اشاره فرمودند: « **مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا...** »؛ خداوند [حکمت و بینش را به هر کس بخواهد] و شایسته ببیند [می دهد و به هر کس حکمت داده شود، همانا خیری فراوان به او داده است...» (بقره: ۲۶۹).

بینش و فهم اقتصادی از
مفسران

◆ عدالت اقتصادی در حد توان

پیشرفت اقتصادی و اجرای عدالت اقتصادی سخت است. در مکتب قرآن، مردم و مسئولان نظام اقتصادی به اجرای عدالت دعوت شده اند. آنجا که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ؛ خداوند به عدالت و احسان فرمان می دهد» (نحل: ۹) ولی به این معنی نیست که اگر نتوان به معنای واقعی و کامل عدالت را پیاده کرد از اصل فعالیت دست برداشت! بلکه در بینش اقتصادی اسلامی اگر اجرای عدالت اقتصادی در حد اعلی ممکن نباشد دست کم در حد توان توصیه می شود بر همین اساس قرآن مجید توصیه می کند: «... أَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...» [در معاملات] پیمانانه و ترازو را با عدالت تمام دهید. ما هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی کنیم...» (انعام: ۱۵۲).

◆ وفا به همه قراردادهای

وفا به همه پیمان ها در بینش یک مسلمان، نهادینه است. چون به فرموده حضرت رسول ﷺ در راستای ایمان به خدا و قیامت ارزیابی می شود: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُفِ إِذَا وَعَدَ؛ هر که به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید به عهد خود وفا کند» (بحار، ج ۷۷، ص ۱۴۹). این وفا و پای بندی همه قراردادهای لفظی، کتبی، عملی و پیمان های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی؛ قوی یا ضعیف؛ با دوست یا دشمن؛ با خدا (مثل نذر و عهد)؛ با فرد یا جامعه؛ با کوچک یا بزرگ؛ با کشورهای منطقه یا قراردادهای بین المللی را پوشش داده و شامل می شود. جمله کلیدی این بیان که مورد توجه همه عالمان و اندیشمندان علوم اسلامی و انسانی قرار می گیرد این است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...؛ ای کسانی که ایمان آورده اید؛ به عقد و پیمان ها ای خود با خدا و مردم [وفا کنید]؛ (مائده: ۱).

◆ بصیرت و تعدیل ثروت

فعالیت های اقتصادی همواره به گونه ای است که برخی سود می برند و بعضی دیگر ضرر می بینند یا سود کمتر می یابند. این امر در سطح کلان و اداره جامعه نمود بیشتری دارد. اگر متولیان اقتصادی جامعه توجه نداشته باشند چه بسا

در پرتو اقداماتشان باعث فاصله طبقاتی جدی شوند. از این رو بر برنامه ریزان اقتصادی جامعه اسلامی لازم است به نحوی تدبیر کنند تا برنامه های ایشان به تعدیل ثروت و عدم تمرکز آن در دست یک گروه خاص بیانجامد. خداوند از گردش ثروت، تنها میان ثروتمندان و طبقه مرفه برحذر می دارد آنجا که فرمود: «لَا يَكُونُ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ...» (اموال) تنها میان ثروتمندان در گردش نباشد...» (حشر: ۷).

◆ آزمایش به دو زینت برتر

همه نعمت های مادی، زینت دنیا هستند، ولی مال و فرزند جلوه بیشتری دارند. به همین دلیل نام این دو از میان نعمت های بی شمار الهی مطرح است. چنان که در قرآن آمده است: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ...»؛ مال و فرزندان، زینت زندگی دنیایند و کارهای ماندگار شایسته، نزد پروردگارت پاداشی بهتر دارند...» (کهف: ۱۸).

چون پسران غالباً نیروی فعال اقتصادی هستند در کنار «مال»، «بنون» آمده است، نه بنات! همه فرزندان نعمت خداوند هستند و محبت به ایشان لازم و شکر در برابر آنها واجب است ولی این نعمت ها نیز همانند بقیه نعمت ها از منابع آزمون انسان ها می باشد.

بصیرتی که این آیه گوشزد می کند این است که جلوه مال و فرزند در دنیا است، نه در آخرت. ثروت و فرزند، به تنهایی سودمند نیست. آنان که امکانات مادی دارند مغرور نشوند، آنان هم که ندارند، مأیوس نباشند. مال و فرزند ماندگار نیست، مسلمان بصیر به چیزی می اندیشد و دل می بندد که باقی باشد. محور بسیاری از لغزش های انسان ریشه در علاقه به مال و فرزند دارد! این دو عامل امتحان و لغزش اند! آزمایش مال و فرزند بسیار سخت و جدی و پیروز شدن در آن مهم است. در ادبیات بصیرت بخشی کلام الله مجید، آزمایش به مال و فرزند چون و چرا نداشته و حتمی است به نحوی که مال و فرزند خود فتنه شمرده شده اند نه وسیله آزمایش و فتنه! «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ...»؛ و بدانید که اموال و فرزندان شما آزمایشی [برای شما] هستند...» (انفال: ۲۸).



◆ بصیرت در برابر فتنه اقتصادی

ارزشمندی بصیرت اقتصادی تنها به تدبیر امور مادی و ساماندهی مسائل حوزه اقتصاد اختصاص ندارد بلکه جلوه ویژه و مهم آن در برخورد با فتنه اقتصادی هویدا می شود. در قرآن مجید فتنه بالاتر از قتل نام برده می شود: «الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ؛ فتنه بزرگ تر از قتل است.» (بقره: ۲۱۷) و در جای دیگر شدیدتر از آن توصیف شد: «الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره: ۱۹۱).

«فتنه» معنای وسیعی دارد. به معنای آزمایش، اغواء، وسوسه، آشوب، مصیبت، محنت، بی دینی و غیره می آید (آذرتاش، ۱۳۸۸، ص ۴۹۶). فتنه هرگاه از جانب پروردگار باشد از روی حکمت و تدبیر است. چنان که در قرآن اموال و اولاد فتنه نامیده شده اند (تغابن: ۱۵). وجه آن به اعتبار بلایی است که در مسیر آزمودن انسان به وسیله این دو، به وی می رسد. ولی اگر از سوی خداوند نباشد و به عبارتی بدون امر الهی صورت گیرد مخالف حکمت است که در اینجا مورد مذمت نیز قرار می گیرد که آیه مذکور (بقره: ۱۹۱) به آن اشاره دارد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۹، ۵۹۱).

هدف از جهاد در اسلام، رفع فتنه و سلطه کفار و مخالفان در همه عرصه ها و ایجاد فضای سالم اجتماعی و اقتصادی برای دعوت به حق و زندگی دینی است. معاندان گاهی مشغول فتنه نظامی هستند و گاهی فرهنگی و گاهی اقتصادی و غیره. برخورد با هر یک از این موارد باید با بصیرت صورت گیرد از این رو بهترین مقابله در برابر فتنه اقتصادی، جهاد اقتصادی است چنان که در برابر فتنه نظامی، جهاد نظامی لازم است و همین طور. چنان که خداوند طی یک دستور کلی می فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ...» و آنان (دشمنان) بجنگید تا فتنه ای بر جای نماند...» (انفال: ۳۹).

◆ فصل الخطاب قرار دادن رهبری

برای استفاده از منابع غنی فرهنگ دینی و اسلامی و تلاش های چند صد ساله اولیاء و بزرگان و عالمان دینی و ایجاد یأس در دشمنان، افزون بر روش مراجعه مستقیم به منابع اصیل و اصلی فرهنگ دینی، یک راهکار اساسی، در

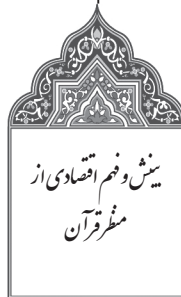
همه امور به ویژه در هنگامه اختلافات، مراجعه به نظرات اسلام شناسان برجسته و ایدئولوگ های انقلاب اسلامی می باشد. در این میان توجه به دیدگاه های رهبری از جایگاه برتری برخوردار است. مکتب اسلام برای جلوگیری از هرگونه اختلاف نظرشکننده که باعث ناراحتی دوستان و شادی دشمنان شود محور اصلی مراجعات و کانون حل اختلافات را رهبری نظام اسلامی معرفی می کند که از این تدبیر باید در همه زمان ها بهره گرفت. آنجا که می فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَّزِعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ (انفال: ۴۶) و از خداوند و فرستاده اش اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید، که سست می شوید و مهابت و قوتتان از بین می رود، و صبر کنید، همانا خداوند با صابران است».

◆ تقوای مصرف

خداوند روزی مردم را از حلال معین کرد. هر کس به حرام روی آورد، از سهم حلال او کم خواهد شد. تلاش اقتصادی برای جلب روزی از همان آغاز بایستی با نام و یاد خدا همراه باشد چنان که قرآن توصیه می کند: «فَكُلُوا مِمَّا ذُكِّرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ...؛ از آنچه نام خداوند بر آن برده شد بخورید...» (انعام: ۱۱۸). هم چنین در بینش اقتصادی اسلام هم شیوه کسب و درآمد مهم است و هم روش مصرف آن که بایستی به همراه تقوای مصرف باشد آنجا که خداوند فرمود: «وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ...؛ و از آنچه خداوند، روزی حلال و پاکیزه به شما بخشیده بخورید و تقوا پیشه کنید...» (مائده: ۸۸). بر این اساس توجه به جلب روزی حلال و همراه کردن آن با نام و یاد خالق روزی از یک سو و مراعات آداب و همراهی مصرف آن با خود نگهداری و پروا که از آن به «تقوای مصرف» یاد می-شود، از سوی دیگر، در حوزه بصیرت اقتصادی قرار می گیرد.

◆ حکمت کم یا زیاد بودن روزی

کم یا زیاد شدن رزق و روزی، تصادفی نیست، چه بسا دو نفری که با هم در یک فعالیت اقتصادی تلاش می کنند، دو نوع درآمد و دو گونه متفاوت روزی به دست می آورند. توجه به این مسأله به معنای واگذار کردن امور به خدا نیست



بلکه وظیفه ما کار و تلاش اقتصادی است ولی این بصیرت لازم است که بدانیم میزان رزق در اختیار ما نیست. کم یا زیاد کردن روزی افراد به وسیله خداوند، عالمانه و حکیمانه و بر اساس معیارهای پیدا و ناپیدا است!

مصلحت بعضی از بندگان خدا گسترش روزی است و اگر در تنگنای معیشت قرار گیرند، فاسد می شوند. و بر عکس، صلاح گروهی دیگر در تنگنا بودن است که اگر در توسعه واقع شوند، به فساد کشیده می شوند. خداوند نسبت به این امر اشاره لطیفی دارد: «اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ...» خداوند برای هر کس از بندگان که بخواهد روزی را می گسترد و یا تنگ می کند، همانا خداوند به هر چیزی آگاه است» (عنکبوت: ۶۲).

◆ حفظ اسرار اقتصادی

جاسوسی اقتصادی امری عادی و طبیعی برای سرویس های اطلاعاتی به شمار می آید. گاهی اطلاعات اقتصادی از مسائل امنیتی به شمار آمده و از اطلاعات سیاسی و نظامی مهم تر می باشند. بر این اساس رازداری در همه حوزه ها به ویژه اقتصاد یک وظیفه قطعی است. امام صادق علیه السلام، راز را هم چون خون در رگ ها می داند آنجا که می فرماید: «سِرُّكَ مِنْ دَمِكَ فَلَا يَجْرِيَنَّ مِنْ غَيْرِ أَوْدَاجِكَ؛ راز تو به منزله خون توست پس نباید در رگ های دیگری جریان یابد». (بحار، ج ۷۵، ص ۷۱).

حفظ اسرار از بیگانگان داخلی و خارجی لازم و گاهی واجب است چون با حوزه های دیگر یک جامعه ارتباط می یابد. باید توجه داشت که نه بیگانگان و مستشاران خارجی قابل اعتمادند و نه هر مسلمان می تواند محرمانه اسرار قرار گیرد. چون در میان مسلمانان نیز افراد فتنه جو و جاسوس یافت می شوند.

به همین دلیل حق تعالی هشدار می دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ...» ای کسانی که ایمان آورده اید! از غیر خودتان همراز نگیرید. آنان رنج بردن شما را دوست دارند...» (آل عمران: ۱۱۸).

سین و نم اقتصادی از
مطهر قرآن

◆ حرمت در برابر سرپرستی کفار و دو روان

در سیاست خارجی، روابط حقوقی و سیاسی و قراردادهای اقتصادی، گزینش ها، عزل و نصب ها و هر اقدامی که به سلطه کفار بر مسلمانان بیانجامد از نظر اسلام حرام و محکوم است! زیرا پذیرش ولایت کفار با ایمان سازگار نیست. تولی و تبری، دوستی با مؤمنان و دوری از کافران، لازمه ایمان است.

قرآن کریم هر نوع اختلاط، رفاقت و قراردادی را که نتیجه اش به زیان مسلمانان باشد را نهی می کند آنجا که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أْتَرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا؛ (نساء: ۱۴۴). ای کسانی که ایمان آورده اید؛ کافران (و منافقان) را به جای مؤمنین تکیه گاه و دوست خود انتخاب نکنید (چرا که پذیرفتن رهبری و یآوری کفر، شرک و کفر محسوب می شود و به دلیل شرک و کفر مستحق عذاب شدید خداوند می شوید) آیا می خواهید دلیل روشنی علیه خود در پیشگاه پروردگار درست کنید؟». مکتب اسلام در بصیرت بخشی به مؤمنان، ایشان را از هرگونه ارتباط قلبی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی با منافقان و دو رویان ممنوع و محکوم می کند و بهترین ارتباط با ایشان را در چشم پوشی از کمک ها و یاری ایشان بر می شمارد. آنجا که فرمود: «... وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وُلِيًّا وَلَا نَصِيرًا؛ ... و از آنان (منافقان) هیچ دوست و یآوری نگیرید» (نساء: ۸۹).

◆ بصیرت تجاری

اقتصاد تجاری، محور بزرگ ترین آیه قرآن است. آیه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره سرفصل های مهمی درباره مسائل حقوقی، نحوه تنظیم اسناد تجاری و تعاملات اقتصادی ارائه می دهد. این آیه نشانه دقت نظر و جامعیت اسلام می باشد که در دوره جاهلیت و در میان مردمی عقب افتاده، دقیق ترین احکام حقوقی اقتصادی را طرح کرده است. در اینجا به برخی محورهای بصیرت بخش آن به صورت گذرا اشاره می شود:

آیه برای حفظ اعتماد و خوش بینی به همدیگر و آرامش روحی طرفین و جلوگیری از فراموشی، انکار و سوء ظن، توصیه به نوشتن بدهی ها می کند.

پیش و فهم اقتصادی از
مطرف قرآن

چنان که برای اطمینان و حفظ قرارداد از دخل و تصرف احتمالی طرفین، تاکید می کند که سند باید با حضور طرفین و توسط شخص سوّمی نوشته شود (...)
فَاكْتُبُوهُ وَ لِيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ...

به گفته مورخان زمانی که در تمام جزیره العرب، هفده با سواد بیشتر نبوده، تاکید آیه بر نوشتن و ثبت اسناد اقتصادی، نشانه توجه و بصیرت بخشی مکتب اسلام به آگاهی، علم و حفظ حقوق اقتصادی است. از این رو در کنار این توصیه دلایل و فواید ثبت سند را نیز به صورت دقیق و عادلانه تبیین می کند آنجا که فرمود:

«... **أَفْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَى أَلَّا تَرْتَابُوا...**» (نوشتن امور مالی) در نزد خدا به عدالت نزدیک تر و برای ادای شهادت استوارتر و برای جلوگیری از شک و تردید بهتر است...». به عبارتی: ضامن اجرای عدالت، جرأت بر شهادت گواهان و جلوگیری از ایجاد بدبینی در جامعه را به عنوان سه فایده ثبت سند نام می برد.

◆ محکم کاری در سفرهای تجاری و داخلی

محکم کاری در امور قراردادها از ضروریات فعالیت های اقتصادی است به ویژه زمانی که با تعجیل یا سهل انگاری همراه شود؛ بر همین اساس اگر برای تنظیم سند نویسنده ای نبود یا اگر معامله در سفرهای داخلی و خارجی و بین المللی انجام می یابد، می توان از اهرم گرو و وثیقه بهره گرفت. این تدبیر برگرفته از سخن خداوند است آنجا که می فرماید: **«وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ...»** و اگر در سفر بودید و نویسنده ای نیافتید، وثیقه ای بگیرید و اگر به یکدیگر اطمینان داشتید (وثیقه لازم نیست)...» (بقره: ۲۸۳).

◆ تدبیر در برابر حریص ترین مردم دنیا

امروزه بسیاری از کمپانی های اقتصادی و شرکت های تبلیغاتی و رسانه ای جهان در دست یهودیان و صهیونیست ها قرار دارد. آنان از این راه بر جهان اقتصاد و عرصه تبلیغات حکم می رانند. می کوشند حوادث دنیا را مدیریت کنند

سین و نم اقتصادی از
مطرح قرآن

یا خود تحولات جدید پدید آورند.

آنان با این که بر کرسی های مدیریت در بیشتر بنگاه های اقتصادی جهان به ویژه آمریکا تکیه زده اند ولی برای سیطره بر همه جهان و همه عرصه های فرهنگی و اقتصادی حریص اند چون به زندگی حریص اند و دنیا گراترین مردم دنیا به شمار می روند. قرآن عمر هزار ساله را از تقاضاهای ایشان ذکر می کند آنجا که می فرماید: «... أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ...»؛ هر آینه یهود را حریص ترین مردم، حتی (حریص تر) از مشرکان، بر زندگی این دنیا و اندوختن ثروت خواهی یافت، تا آنجا که هر یک از آنها دوست دارد هزار سال عمر کند...» (بقره: ۹۶). از این رو بصیرت اقتصادی ایجاب می کند در معادلات بین المللی و اقتصادی تدبیر کنیم که در برابر چه کسانی قرار داریم. به یقین راحت نخواهند گذاشت با نرخ رشد اقتصادی مناسب بر قله اقتصاد اسلامی تکیه کنیم!

◆ بصیرت در برابر تحریم های اقتصادی

پیشرفت اقتصادی، مسأله ای نیست که دشمنان به راحتی بگذارند و از کنار آن بگذرند! ما باید در فعالیت های اقتصادی توجه داشته باشیم تنگنا های امور اقتصادی و فشارهای داخلی و خارجی ما را نسبت به امور انسانی بی اعتنا و در برابر دینمان بی تعهد نسازد. باید باور کنیم که رزق و روزی ما در دست دیگران نیست! باید به خداوند توکل کرد و از قطع رابطه اقتصادی دشمنان و تحریم های آنان نهراسید.

آن که خداوند را دارد فضل او را نیز خواهد داشت در این صورت همه چیز را به ویژه مردم را نیز خواهد داشت و آن که او را نداشته باشید هر چقدر هم زرنگ، مدیر و اقتصاددان باشد نه خود چهره ماندگار می شود و نه تلاشش ماندنی!

در همین زمینه خداوند بصیرت می دهد که از فقر و تنگدستی ناشی از قطع رابطه اقتصادی دشمنان نباید ترس به خود راه داد و باید به فضل او امیدوار بود آنجا که می فرماید: «وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...»؛ و اگر (به

پیش و فهم اقتصادی از
مطرح قرآن

خاطر راندن دشمنان و قطع داد و ستد و تحریم) از فقر و تنگدستی می ترسید، پس به زودی خداوند اگر بخواهد از فضل خویش شما را بی نیاز خواهد کرد...» (توبه: ۲۸).

✽ نتیجه گیری:

خداوند ثروت، قدرت، رفاه و پیشرفتی را که ارمغان دستاورد بشری بوده و رنگ الهی نداشته باشد در قالب داستان قارون نقد می کند. زیرا علم اقتصاد در صورتی که در راستای دانش الهی و به همراه بصیرت اقتصادی باشد می توان عدالت اقتصادی را از آن انتظار داشت.

در بینش اسلامی، امور مادی، مقدمه الهیات است. کمترین انتظار حق تعالی در تأمین معاش و رزق و روزی این است که فرد بصیر شود و به شیطان و معصیت «نه» بگوید!

نرم افزار قرآن کریم و روایات اسلامی برای پیشرفت اقتصادی، بصیرت اقتصادی است. نگاهی که در آن افراد به اعتدال و میانه روی دعوت شده و از صراط مستقیم به عنوان راه میانه و از اولیاء الله و معصومان علیهم السلام به عنوان نمونه های به دور از افراط و تفریط یاد می شود. از این رو نظریات اقتصادی اقتصاددانان قابل بهره گیری اند نه پیروی! چون اقتصاددان بصیر، تنها خداوند را اعلم دانسته و آموزه های دینی را کلید اصلی برای صندوق اسرار اقتصادی می داند. در فرهنگ قرآنی، از بینش و قدرت تمییز و تشخیص ویژه، که از آن به بصیرت یاد می شود، می توان به عنوان «خیرکثیر» نام برد. بر این اساس اگر همه امور مادی فدای دست یابی به حکمت و بینش صحیح اقتصادی شود، هزینه نیست بلکه پس انداز خواهد بود.

اصل اولیه برای اقتصاد اسلامی، اجرای عدالت اقتصادی در حد اعلی است ولی اگر نمی توان به این آرمان رسید نباید رها کرد بلکه دست کم برای پیاده سازی آن در حد توان باید تلاش کرد.

پیش و فهم اقتصادی از
مطهر قرآن

وفا و پای بندی به همه قراردادها و پیمان های فردی و جمعی در بصیرت اقتصادی الزامی است و نیز متولیان این باور باید تلاش کنند تا برنامه هایشان باعث تعدیل ثروت و عدم تمرکز آن در دست یک گروه خاص شود.

بصیرت در برابر فتنه های اقتصادی از دیگر راهبردهای مکتب قرآن کریم برای تدبیر امور داخلی و خارجی حوزه اقتصاد به شمار می آید که به پیشنهاد قرآن در صورتی که رهبری جامعه اسلامی به عنوان محور اصلی مراجعات و کانون حل اختلافات قرار گیرد، نگرانی از فتنه های گوناگون سیاسی، نظامی و اقتصادی نیست. در بینش اقتصادی اسلامی، همه شیوه کسب و درآمد مهم است و هم روش مصرف آن که از آن به «تقوای مصرف» یاد می شود. در کنار نظر به کسب روزی حلال، توجه به این باور مهم است که کم یا زیاد کردن روزی افراد به وسیله خداوند، عالمانه، حکیمانه و بر اساس معیارهای پیدا و ناپیدا صورت می گیرد.

رازداری اقتصادی و حفظ اسرار آن از جاسوسان داخلی و بیگانگان خارجی در دامنه بصیرت اقتصادی قرار می گیرد. هم چنین توصیه می شود نسبت به هرگونه سلطه پذیری دورویان و کفار واکنش نشان داده و بر اساس آموزه های قرآنی در پرتو دو فرع مهم دینی (یعنی تولی و تبری) دوری از ایشان و دوستی با مؤمنان لازمه ایمان به شمار آمده و جزء سیاست های راهبری لحاظ شود.

محور بزرگ ترین آیه قرآن درباره تجارت، مسائل حقوقی و نحوه تنظیم سند می باشد که نشان از جامعیت اسلام در بخش اقتصاد به ویژه اقتصاد تجاری است. در همین راستا توصیه به محکم کاری در سفرهای تجاری و خارجی و داشتن آگاهی و زیرکی در برابر گروه ها، شرکت ها و کمپانی های تبلیغاتی و اقتصادی جهان از ضروریات انکارناپذیر بصیرت اقتصادی است؛ علی الخصوص برنامه ریزی و بصیرت در برخورد با حریص ترین مردم دنیا یعنی یهودیان صهیونیست و تدبیر در برابر تحریم های اقتصادی تراست ها و کمپانی های وابسته به دولت های طرفدار ایشان و نترسیدن از آنها.



منابع و مآخذ مطالعاتی:

- قرآن کریم، برگردان مهدی الهی قمشه ای، تهران: پیام آزادی، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- قرآن کریم، برگردان ناصر مکارم شیرازی، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- قرآن کریم، برگردان مهدی محمودیان، تهران: انتشارات اسوه، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.
- آذرتاش، آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران: نشر نی، چاپ یازدهم، ۱۳۸۸.
- بهرام پور، ابوالفضل، تفسیر مبین، قم: آوای قرآن، چاپ هفتم، ۱۳۸۹.
- حیدری ابهری، علیرضا، حکمت نامه پارسیان، قم: نشر جمال، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
- خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، تهران: موسسه نشر آثار، بی تا.
- دهخدا، علی اکبر، امثال و حکم؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دهم، ۱۳۷۷.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه حسین خداپرست: زیر نظر عقیقی بخشایشی، قم: دفتر نشر نوید اسلام، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
- شکورزاده بلوری، ابراهیم؛ دوازده هزار مثل فارسی، مشهد: به نشر، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
- شیخ طوسی، امالی، قم؛ تحقق مؤسسه بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: موسسه اسماعیلیان، جلد ۲، ۱۳۷۰.
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، (دوره دو جلدی) تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، جلد ۱، ۱۳۶۳.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: نشر مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ چهارم، جلد های ۱ تا ۱۲، ۱۳۸۲.
- کلینی، ثقة الاسلام، محمد بن یعقوب، کافی، بی جا، بی نا، جلد ۵، بی تا.
- مجلسی، محمدتقی، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
- مدیریت پژوهش، بصیرت، تهران: اداره کل پژوهش و آموزش سیما، ۱۳۸۸.

میش و فم اقتصادی از
مطرق قرآن

کوئینا

فصلنامه قرآنی

